

رونمایی از پدیده چیزهای اجاره‌ای در ساختمان سازی

با خودم فکر می‌کردم توی دنیایی که وسط زمستون، صبح بایک لایبرهن از خونه می‌آیم بیرون و هم زمان عنوان بدترین اینترنت رو به دست می‌آیم و گوشت هم شده ۷۰۰ هزار تومن، دیگه چیزی نیست که بتونه متعجبم کنه، تا اینکه مصاحبه سرپرست آتیش نشانی مشهرو خوندم. ایشون از پدیده‌ای رونمایی کرده با عنوان «تجهیزات اجاره‌ای». یعنی بعضی مالکان ساختمان های در حال ساخت، به جای خرید تجهیزات ایمنی اطفاء اعلام حریق و نصبشون توی ساختمان، اونارو اجاره می‌کنن و بعد از اینکه پایان کار و تأیید ایمنی از سازمان آتیش نشانی رو گرفتن، اون وسایل رو از ساختمان باز می‌کنن و می‌برن سر یه ساختمان نو ساز دیگه.

باید به این خلایق تبریک گفت. هی با خودم می‌گفتم چرا خونه ما کپسول آتیش نشانی و آژیر اعلام حریق نداره، نگو مهندس قل قل آبادی که خونه ما رو ساخته، اونارو برده سر یه ساختمان دیگه و همین طور داره بایه کپسول دور می‌زنه و با مدرک دیپلمش همه جا خودش رو مهندس معرفی می‌کنه و کل شهر رو آباد می‌کنه. بعید نیست پس فردا دوستان عزیز بساز فروش (ویراستار محترم! لطفا این کلمه رو تصحیح نکن. باور کن این عزیزان حتی تلفظ درست اسم شغل خودشون رو هم بلد نیستن، ولی درآمد یه ساعتشون اندازه حقوق همه عمر من و شماست!) تکنیک هایی به خرج بدن که برگي به درختان بوستان و پشمی به گربه های خیابان و آجری به ساختمانها نمونه.

مثلا پدیده «کولرکرایه‌ای»: که وقتی خونه رو تحویل دادن، بیان کولر رو از روی پشت بوم بردارن و بگن ببخشین صاحبشون اومده دنبالشون، یک کم خنک بشه، زمستون برمی‌گردونیم. یا «در اجاره‌ای»: که وقتی خونه فروخته شد، بیان بگن ببخشین دراش مال شما نیست، باید ببریم یه جای دیگه درش رو بذاریم. حالا صاحب خونه همون طور چیز توی توالی ماتش برده که در مستراح کو؟ یا «سقف عاریه»: که وقتی پایان کار رو گرفتن، بیان سقف ها رو بکنن و ببرن روی سر چهار نفر دیگه که سرپناه ندارن، بذارن. یا حتی «اسکلت امانی»: که وقتی کلید خونه رو دادن به صاحبش، بیان اسکلتا رواز پی دربیارن و آجرش رو بتکونن و بندازن پشت وانت ببرن یه پروژه جدید رو باهاشون شروع کنن. یا حتی «مسئول اجاره‌ای»: که بیاد جلو دوربین کلیدای خونه رو بده به یه خانواده و بعد که خبرنگار افیلم و عکس گرفتن، کلیدارو پس بگیره و بگه ببخشین، با این خونه باید چند تا رای دیگه هم جمع کنم. جمع کنین برین!



کا زنون، عمید صالحی

صفحه ۴
۳۰ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۵

صدای قیق

امکان نداره جمله دستوری «من کارتاتان ره بزنی» رو نشنیده باشین. مخصوصا وقتی بیهو بیست نفر می‌ریزن توی اتوبوس یا بی‌آرتی و هیچ صدای قیقی از دستگاه بلند نمی‌شه. اینجا ست که دیگه راننده شروع به حرکت نمی‌کنه و از همون جلو توی آینه رصد می‌کنه که کی من کارتش رو زده و کی مویرگی دررفته. خب اون طفلک هم که نمی‌تونه همه رو حفظ

کنه. مجبوره یکی یکی از همون جلو صداتون بزنه که خانم فلانی، من کارت رو بزنی. آقای بهمانی، تو هم نزدی، بزنی. یه ضرب المثل آلمانی هست که می‌گه قبل از اینکه صدات بزنی، خودت کارت رو انجام بده. شما هم قبل از اینکه از طریق راننده پیچ بشی، سعی کن خودت باروی خوش من کارت رو طوری بزنی که صدای قیقش تا جلو جای

راننده بره و بشنوه، وگرنه با ذکر جزئیات از همون جلومشخصت می‌کنه، بعد دیگه همه با انگشت نشون می‌دن بعد آبروت می‌ره دیگه. مورد داشتیم راننده دیده حتی پیچ کردن هم جواب نمی‌ده، هر ایستگاه خودش پیاده می‌شده می‌اومده جلو در و امیستاده، می‌گفته در صورتی که من کارت بزنی، می‌تونی بری تو، یا همین الان پولت رو حساب کن.

فرهنگ شهروندی
ساحل شاکری